



گفتگوئی

با

یک

استاد

آقای یوسف یوسفزاده استاد هنرستان عالی موسیقی در حدود سه سال قبل برای ادامه و مطالعه به اتریش عزیمت نمود و اینک که علاوه بر مطالعات کلی توفیق یافته دوره رهبری کررا نیز در آکادمی موسیقی وین بگذرانند مناسبتی خواهد بود تا گفتگوئی کوتاه با وی داشته باشیم .

✽ آقای یوسفزاده اکنون که با موفقیت به تهران مراجعه کرده‌اید بد نیست اطلاعاتی در زمینه مطالعات خویش دروین در اختیار خوانندگان مجله ما بگذارید.

✽ من در سال ۱۳۳۹ برای یکمرتبه مطالعه و گذراندن دوره رهبری کر در آکادمی موسیقی وین از طرف هنرهای زیبای کشور به اتریش رهسپار شدم. در طی سه سال تحصیل در آکادمی مزبور کوشیدم تا تجربیاتی در زمینه پیشرفت های هنری در آن سرزمین بدست آورم. نکته ای که بطور قطع میتوان گفت سبب اصلی پیشرفت های هنری مردم اروپا است آشنائی

و مؤانست آنان از سنین کودکی باموسیقی و هنرهای دیگر است. چون آنان از سنین کودکی به مطالعه و کار علاقه ای فراوان دارند در دوران جوانی دیگر آنچه آنان به وجود معلم و استاد - بدان شکل که ما می شناسیم - نیازمند نخواهند بود. معلم تنها راهنما است و کار اساسی را هنرجو خود بامیل واقعی و ذاتی انجام میدهد...

از همه اینها گذشته، موسیقی، تنها تفنن و تفریح بحساب نمیرود بلکه عاملی ضروری برای زندگی است و بهمین سبب در تمامی دبیرستان ها و آموزشگاههای عمومی نیز موسیقی از مواد اصلی برنامه ها است. کودکان و جوانان در این آموزشگاهها از کلاس ۵ تا ۱۲ بابت آشنائی مییابند و سلفژ را بخوبی فرامیگیرند بنحوی که سرودهای خود را بدقت از روی نت می خوانند. البته باید دانست که میان شعر و آهنگ این سرودها و ترانه ها آنچه تالیف دقیق، محکم و استواری روی داده است که کودکان با سلاست و سهولت کامل موفق با اجرای آن میشوند.

✦ مجموع گفته های شما اینطور نتیجه داد که آشنائی از کودکی باموسیقی و نیز دقت در صحت روش تدریس، علت العلل پیشرفت هائی است که مردمان اروپائی در زمینه موسیقی بدان نائل آمده اند - و این حرف کاملاً صحیحی است. ولی شاید علاوه بر این « سبب » اسباب دیگری نیز در این مورد مؤثر بوده باشد؟ آیا شما چطور فکر میکنید؟

✦ بدون شك عوامل دیگری نیز در این تعالی تأثیر داشته است و شاید بلافاصله در مقام بیان مهمترین این عوامل باید از بعضی سنت های هنری که در جوامع مسیحی هست نام برد. شما خوب میدانید که سیزده چهارده قرن هنر اروپائیان بامذهب و کلیسا بشکلی تفکیک ناپذیر همبستگی و اتحاد داشت و تنها در ۶ قرن اخیر آهنگسازان توانسته اند بتدریج و بالنسبه استقلالی بدست آورند با توجه بدانکه هنوز نیز بسیاری از آنان تابع سنت های مزبور و یا تحت تأثیر آن هستند و هنوز در آفرینش آثار مذهبی و غیر مذهبی از آن سنت ها الهام می گیرند. این نزدیکی و صمیمیت عمیق میان دو پدیده اجتماعی بدون تردید سبب استحکام هر دوی آنها شده است و نیز به مدد یکدیگر بهتر توانسته اند روح و خون اروپائیان را تحت تأثیر بگیرند.

تصور داریم که به موشکافی بیشتری نیاز نباشد. مطلب کاملاً روشن و آشکار است ...

و اما عامل سوم.. این یکی «کولتور» (فرهنگ) غنی، عمیق و با ارزش مردم آن دیار است. همه انسان‌ها روابطشان انسانی است و این اصل میان شاگردان و استادانشان بشکلی بارزتر احساس میشود. استاد پیش از هر چیز دوست و همراز هنرجو است و وی را با دلسوزی و محبت تمام راهنمایی مینماید

✽ در باره هنرجویان ایرانی که در وین به تحصیل اشتغال دارند چه نظری

دارید ؟

✽ این اصل مسلم است که ما از هنرجویان خود نمی‌باید انتظار داشته باشیم که پیشرفت‌هایی همانند هنرجویان اروپائی داشته باشند. زیرا که تربیت وراثتی ما محیطی بوجود آورده است که موسیقی کلاسیک را در آن نصیب چندانی نیست. متأسفانه برخی از هنرجویان ما که به وین می‌روند سطح معلوماتشان آنچنان بالا نیست و تربیت و پرورش هنری آنان ثمرات قابلی بیار نمی‌آورد.

✽ بد نیست اگر نظر شما را نیز چون دیگرانی که طرف گفتگوی ما بوده‌اند، درباره موسیقی ایران و راهی که باید پیمایند بدانیم.

✽ موسیقی ما با موسیقی غرب کاملاً متفاوت است - اگرچه ریشه‌های دومی در آن دیگری است - چیزی که موسیقی غرب را بجانب تکامل سوق داده اجتماعی زیستن مردمان آن دیار است. موسیقی ما همانند روحیه‌مان، زندگی‌مان بر اساس تکروی قرار دارد و «یکنوائی» است. هم‌زمان با تغییرات جبری اجتماعی میتوان و باید در گونی‌هایی در موسیقی‌مان بوجود آوریم. نظرات صاحب نظران در این باره متفاوت و گاهی متغایر است و نمیتوان بالصراحه گفت که کدامیک از آن‌ها کاملاً صحیح است - اگرچه هر کدام مقداری از حقیقت را در بردارد - بهر حال باید همانند غربیان تلاش - هائی داشت و بتدریج راه تکامل، گسترش و تعالی موسیقی ایران را جستجو کرد. بطور کلی میتوان گفت که طرز تفکر اجتماعی در هر منطقه جغرافیائی

است که هنر و موسیقی را نیز چون دیگر پدیده‌های اجتماعی بوجود می-
آورد و شکل میدهد.



✽ تذکر این نکته ضروری است که آقای یوسف زاده پس از مراجعت از سفر وین
بلافاصله از جانب هنرهای زیبای کشور به ریاست و سرپرستی « هنرستان موسیقی تبریز »
منصوب شدند و این امید میرود که وجود ایشان و تجربیاتشان در رفع نابسامانی‌هایی که در
آن هنرستان وجود دارد مؤثر افتد.

م - خوشنام



ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی